

## حریم خانه و زندگی

البته منظور، حریم زمینی و جغرافیایی مورد نظر نیست، بلکه حریم حقوقی و آسایش و آزادی افراد، منظور است...



البته منظور، حریم زمینی و جغرافیایی مورد نظر نیست، بلکه حریم حقوقی و آسایش و آزادی افراد، منظور است. زندگی شخصی افراد و اوضاع خصوصی داخل خانه و روابط درونی، حد و حریمی دارد که باید پاس داشته شود، تا روابط دوستی و صفا نیز محفوظ بماند، چرا که تعدی به این حریم و مراعات نکردن این حق، کدورتها و دشمنیهای را در پی دارد. بگذارید سخن را این گونه آغاز کنیم، با طرح یک سؤال:

آیا شما دوست دارید کسی سرزده و بی‌خبر، وارد خانه شما بشود؟

آیا ناراحت نمی‌شوید اگر دیگران، بدون رضایت شما در کیف و کمد یا اتاق و محل کار شما را باز کنند؟

آیا از دید زدن دیگران به دست‌خط و نوشته‌های محرمانه یا خصوصی‌تان، بدتان نمی‌آید؟

آیا اگر کسی از اسرار شما مطلع شود، یا آنکه خودتان رازی را با کسی در میان بگذارید، بخصوص اگر راز خانوادگی و مربوط به زندگی خصوصی شما باشد، او هم به دیگران برساند، خوب است؟

آیا خوشتان می‌آید که بدون رضایت شما، کسی در اموال و وسایل شما تصرف کند؟

دید زدن به درون خانه دیگران چگونه است؟

اینها و مسائلی از این قبیل، نشان می‌دهد که شما برای زندگی و خانه خویش، حریمی قابل‌هستید و دوست ندارید که آنها نادیده گرفته شود. مراعات یا عدم مراعات این نکات نیز، از جمله موضوعات «اخلاق معاشرتی» است که در اسلام برای آن قانون و حکم خاص وجود دارد. این مسأله را کمی بازتر با شما خوانندگان عزیز، مطرح می‌کنیم:

خانه، یا محل آرامش و ایمنی

به محل مسکونی هر فرد یا خانواده‌ای، «مسکن» هم گفته می‌شود. یعنی اینکه خانه، محل قرار و استقرار و آرامش و سکون نفس و اطمینان خاطر است. از این رو، انسان باید در محل سکونت خویش، احساس امنیت و آرامش داشته باشد. برای تأمین این «احساس آرامش» نیز، اقدامهای گوناگونی لازم است. از طرز معماری خانه و نداشتن اشراف بر آن و مناسب بودن همسایه‌ها گرفته، تا نحوه ارتباط دیگران و همسایگان و ترددکنندگان به خانه.

در اتاق خصوصی، نباید کسی واهمه ورود ناگهانی دیگران را داشته باشد.

در خانه شخصی هم، نباید دیگران بی‌اجازه یا بی‌رضایت یا سرزده وارد شوند. اگر خانه‌ای مصون از دید زدن دیگران و چشم‌چرانی نگاههای آلوده نباشد، «مسکن» نیست، بلکه عامل تشنج و اضطراب است.

اینکه باید بر در خانه یا اتاق، «پرده» باشد، برای جلوگیری از افتادن نگاه ناروا به درون خانه است. اینکه قبل از ورود به خانه‌ای باید در زد، اجازه گرفت و خبر داد، برای همین نکته است. البته، هم صاحب خانه باید در تجهیز خانه‌اش و تأمین وسایلی که به این «ایمنی» و «آرامش» و «آسایش» کمک می‌کند بکوشد، هم رهگذران، همسایگان، طبقات بالا و خانه‌های مُشرف باید نگاه خود را کنترل کنند.

اگر بر در خانه‌ای پرده نباشد، باید کنار راست یا چپ ایستاد و در زد و یا صاحبخانه را صدا کرد، تا چشم به درون خانه نیفتد.

بگذارید از آسوه اخلاق بیاموزیم:

پیامبر اکرم(ص) که رفتارش مایه درس و الگو برای همگان است، وقتی به در خانه کسی می‌آمد، رو به روی در نمی‌ایستاد؛ بلکه سمت راست یا چپ قرار می‌گرفت و می‌فرمود: «السلام علیکم». با این سلام دادن بلند، اجازه ورود می‌گرفت. زیرا آن

روزها هنوز معمول نشده بود که همه در برابر خانه‌شان پرده بیاویزند.(1)

یک بار هم «ابوسعید خدری» روبه‌روی خانه حضرت ایستاد و اذن ورود طلبید. حضرت فرمود: روبه‌روی در، اجازه ورود مگیر! (2) وقتی اشخاص به خانه شخصی خود وارد می‌شوند، نوعی «پناهگاه» امن و آسوده را برگزیده‌اند تا استراحت کنند و آزاد باشند. این نکته ایجاب می‌کند که حریم و حرمت داخله منزلها حفظ شود و بی‌اجازه، کسی وارد خانه‌ها نگردد.

استیذان

در اینجا با یک واژه قرآنی و حدیثی که به همین مسأله مربوط می‌شود آشنا می‌شویم. استیذان یعنی «اذن طلبیدن»، اجازه گرفتن و رخصت خواستن هنگام ورود به خانه یا اتاق کسی دیگر.

همچنان که گذشت، خداوند خانه‌ها را محل آسایش افراد قرار داده و برای آنها احکام ویژه‌ای مقرر کرده است. چه بسا کسی خسته یا بیمار یا بی‌حال است و آمادگی پذیرش کسی را ندارد.

یا در خانه‌اش کسی است که با وجود او، نمی‌خواهد دیگری را پذیرا باشد.

یا اوضاع خانه به نحوی است که دوست ندارد دیگران، آن حالت و وضع را ببینند.

یا از نظر لباس و وضع پوشش در شرایطی است که آماده آمدن کسی نیست، یا وقت و هنگامی است که لباسها را در آورده و

به استراحت نیمروز یا شبانه پرداخته و مایل یا مهبای آن نیست که کسی مزاحم یا وارد شود یا ... یا ... به هر دلیلی، گاهی شرایط به گونه‌ای است که بی‌اذن وارد شدن، صاحبخانه را ناراحت می‌کند. در چنین مواقعی باید «اجازه» گرفت.

دیده‌اید که افراد یک خانه، وقتی از پیش، در جریان آمدن کسی باشند یا خودشان مهمان دعوت کرده باشند، خانه را مرتب و خود را مهبای پذیرش و پذیرایی می‌کنند. ولی وقتی کسی بی‌خبر و سرزده وارد می‌شود، هر کدام به گوشه‌ای فرار می‌کنند، یا با شتاب و عجله، به جمع و جور کردن وسایل خانه و سامان دادن به وضع ظاهری منزل می‌پردازند. این یعنی چه؟ یعنی اینکه افراد، همیشه آمادگی پذیرش دیگران را - بخصوص بی‌خبر و ناگهانی - ندارند.

در چنین مواردی وظیفه داریم که «استیذان» یا «استیناس» کنیم و بدون خبر دادن و سرزده وارد نشویم، تا به حریم امنیت شخصی افراد در درون خانه، تعدی نکرده باشیم.

نحوه خبر دادن متفاوت و بسته به شرایط و محیطها و اشخاص گوناگون است. با «در زدن»، «اجازه گرفتن»، یا الله گفتن، زنگ زدن، سرفه کردن، پا بر زمین کشیدن یا به هر وسیله ممکن باید صاحب خانه یا ساکن اتاق و محلی را خبر داد. اگر اجازه ورود داده شد، وارد می‌شویم، و گرنه، بدون هیچ ناراحتی برمی‌گردیم. همچنان که اگر ما در شرایط نامساعد بودیم و برای ورود کسی به خانه یا محل کار، تمایل نشان ندادیم، انتظار داریم که نرنجد و این را «توهین» تلقی نکند.

از پیشوایان پیاموریم

پیامبر اکرم(ص) همواره برای ورود به خانه دیگران، اجازه می‌گرفت. اجازه گرفتنش هم به این صورت بود که با صدای بلند، به اهل خانه سلام می‌داد و منتظر جواب مثبت می‌ماند. حتی برای ورود به خانه دخترش فاطمه زهرا(س) نیز بیرون خانه می‌ایستاد و با صدای بلند سلام می‌کرد. شنیدن جواب از داخل خانه به معنای آمادگی آنان برای ورود پیامبر بود و آن حضرت داخل می‌شد. (3)

به نظر برخی فقها، این اجازه گرفتن سه بار لازم است. برخی هم یک بار را کافی می‌دانند. ولی رعایت جنبه اخلاقی اقتضا می‌کند سه بار، اعلان قبلی شود.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

برای ورود به خانه‌ای، اذن گرفتن و اعلام، سه بار است: بار اول، تا بشنوند. بار دوم برای آنکه خود را جمع و جور کنند. در مرتبه سوم اگر مایل بودند اجازه دهند، والا، اذن نمی‌دهند و اجازه‌گیرنده برمی‌گردد: «الاستیذانُ ثلاثَةٌ: أولهنَّ یسمعون، والثانیةُ یَحْدَرُونَ وَ الثالِثَةُ إِن شَاؤُوا آذَنُوا وَ إِن شَاؤُوا لَمْ یَفْعَلُوا، فیرْجِعُ الْمَسْتَأْذِنُ» (4)

در سیره پیامبر نسبت به حضرت زهرا(س) نوشته‌اند که گاهی در خانه آنها می‌آمد، سلام می‌داد، پاسخ نمی‌شنید. تا بار سوم، که می‌خواست برگردد، آنان جواب می‌دادند. حضرت می‌پرسید: چرا جواب نمی‌دادید؟ می‌گفتند: یا رسول‌الله، دوست داشتیم که صدای تو را بشنویم (این نمونه و شبیه آن در مورد قیس بن سعد بن عباده هم نقل شده است).

سرزده وارد خانه شدن، حتی خانه خود نیز ناپسند است. در آداب سفر آمده است که پیامبر اکرم(ص) نهی کرد که اگر کسی شبانه از مسافرت برگشت، سرزده وارد خانه شود، مگر آنکه قبلاً اعلام کند و خبر دهد: «نهی رسول‌الله(ص) أَنْ یُطْرَقَ الرَّجُلُ اَهْلَهُ لَیلاً إِذَا جَاءَ مِنَ الْغَیْبَةِ حَتَّى یُؤْذِنَهُمْ». (5)

از زبان قرآن

گفتیم که موضوع «استیذان»، در قرآن هم آمده است و نشان‌دهنده اهمیت این مسأله در روابط اجتماعی و خانوادگی است. جایگاه این مسأله در آیات قرآن، بیشتر مسایل جنسی و نگاههای ناخواسته است و آیات قبل و بعدش نیز به کنترل چشم و نگاه مرتبط است. چه بسا سرزده وارد اتاق یا خانه یا محلی شدن، سبب می‌شود که نگاه به چهره یا اندام یا صحنه‌ای بیفتد که ابلیس وسوسه‌گر، انسان را به دام و کام فتنه بکشد. از این رو اجازه ورود گرفتن، یک پیشگیری احتیاط‌آمیز از هر نوع نگاه ناروا یا دیدن صحنه‌های ناپسند یا غیر حلال است.

از زبان قرآن بشنویم که می‌فرماید:

«ای ایمان آورده‌ها! به خانه‌هایی جز خانه خویش وارد نشوید؛ مگر آنکه قبلاً خبر دهید و اذن بگیرید و بر اهل خانه سلام کنید. این برایتان بهتر است؛ باشد که پند بگیرید. اگر در خانه، کسی را نیافتید، وارد خانه نشوید تا آنکه به شما اجازه دهند و اگر به شما گفتند: «برگردید»، شما هم برگردید. این برایتان پاکیزه‌تر (و رشددهنده‌تر) است.» (6)

اگر اجازه داده نشد، بدون ناراحتی باید برگشت. دلیلی بر ناراحت شدن نیست. خانه، خانه دیگری است و آماده و متمایل نبوده که وارد شویم. این «ادب قرآنی» است که خدا به ما یادآوری می‌کند که نحوه ورود به خانه دیگران، هم با اجازه باشد، هم همراه با سلام،

هم بدون ایجاد وحشت و اضطراب، به نحوی که آنان احساس «انس» کنند؛ استیناس!

به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی: این اجازه گرفتن برای ورود به خانه، کمک می‌کند که ساکن خانه خود را بپوشاند و از خودش ایمن و خاطر جمع باشد و این روش پسندیده، کمک می‌کند تا اخوت و برادری و الفت و تعاون عمومی در مسیر آشکار کردن خوبیها و پوشاندن ناخوشایندیها استمرار یابد. (7)

ابویوب انصاری از پیامبر خدا می‌پرسد که یا رسول‌الله، این استیناس که در آیه قرآن مطرح است، چیست؟ حضرت پاسخ می‌دهد: گفتن سبحان‌الله، الحمدلله، الله اکبر، سرفه کردن برای اهل خانه. (8)

روایت است که مردی به رسول خدا عرض کرد: آیا من برای وارد شدن نزد مادرم نیز اجازه بخواهم؟ پیامبر فرمود: آری. آن مرد پرسید: مادرم خدمتکاری جز من ندارد، آیا لازم است هر بار که بر او وارد می‌شوم، اذن و اجازه بگیرم؟ حضرت فرمود: آیا دوست داری که مادرت را عریان ببینی؟ مرد گفت: نه. فرمود: پس اجازه بگیر و وارد شو! (9) آموزش قرآن در باره استیناس و اذن گرفتن، هم در باره خانه‌های خودمان است، هم خانه دیگران و در هر دو مورد، احترام گزاردن به حرمت ساکنان خانه و محترم شماردن حقوق شخصی آنان است. ادامه بحث در این موضوع را به بخشی دیگر وا می‌گذاریم.

منابع:

1- تفسیر فخر رازی، ج 23، ص 198.

2- همان.

3- تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 586، تفسیر نمونه، ج 14، ص 431.

4- وسائل الشیعه، ج 14، ص 141.

5- مکارم الاخلاق، ص 266.

6- نور، آیه 27 و 28.

7- المیزان، ج 15، ص 118.

8- مجمع‌البیان، ج 14، ص 135.

9- همان.

پیام زن -> فروردین 1377، شماره 73

پدیدآورنده: جواد محدثی،